



Mobarezey Tabaghati (Class struggle)
28 April 2015 – Nr.22

شماره: ۲۲ - ۲۸ آوریل ۲۰۱۵

مبارزه طبقاتی

نشریه ای سیاسی،
تئوریک
سوسیالیستی

Happy

MAY
DAY

گرامی باد

روز جهانی

کارگر



کرایه شماره:

- اطلاعیه نشریه مبارزه طبقاتی بمناسبت اول ماه مه،

روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر صفحه ۲

- تلاشی برای پاسخ به سوالات بزرگ

هارالد برنتسن صفحه ۵

- مصاحبه با پاول ستیگان، از رهبران سابق حزب

کمونیست کارگران نروژ (مارکسیست - لنینیست) صفحه ۸

- یادداشتهای سیاسی بهروز ناصری صفحه ۱۱

- شکست جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای

- تاثیر مرگ خامنه‌ای در معادلات سیاسی ایران

- طرحی برای اتحاد کارگران

- قرارداد موقت و سفید امضاء سند بردگی نوین

کارگران است صفحه ۱۳

با نشریه مبارزه طبقاتی همکاری کنید و سوالات، نظرات و

انتقاداتتان را با ما درمیان بگذارید

m.tabaghati.avis@gmail.com

ایمیل (Email):

bnaseri@hotmail.com

www.m-tabaghati.com

آدرس سایت مبارزه طبقاتی:

اطلاعیه نشریه مبارزه طبقاتی بمناسبت اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی طبقه کارگر

اتحاد حول کار و مسائل عینی مربوطه ممکن و امکان پذیر است

کارگران!

فعالین کارگری!

به مناسبت فرارسیدن اول ماه، تریکات رفیقانه ما را بپذیرید.

اول ماه دیگری نیز فرا رسید، اما مسائل و مشکلاتی که پیشروی کارگران قرار دارد کماکان بقوت خود باقی بوده و ادامه دارند. نامناسب بودن شرایط کار و عدم امنیت کاری، گرانی و تورم و دستمزدهای ناچیز، قراردادهای موقت و سفید امضاء، عدم آزادی بیان، عدم آزادی فعالیت، سرکوب و فضای خفقان، دستگیری و زندان و پراکندگی و بی تشکیلی از جمله ی مسائل و چالشهایی هستند که طبقه کارگر ایران با آن مواجه است.

سوال پایه ای اینست که چگونه میتوان به مصاف این معضلات رفت و برای رفع آنها گام موثر و تغییر دهنده برداشت. اول ماه مه فرصتی برای طرح این مباحثات بوجود میآورد و اینکه بتوان حول مهمترین معضلات به بحث و تبادل نظر پرداخت و سپس تلاش به عمل آید تا از آن مباحثات استنتاجات عملی گرفته شوند.

با توجه به این شرایط طبقاتی کنونی ایران که به ضرر کارگران است، میتوان گفت که دستمزدها را دولت اسلامی و ارگانهای وابسته به آن یکطرفه تعیین میکنند و طبقه کارگر ایران به دلیل پراکندگی و عدم سازمانیابی اش در شکل طبقاتی و سراسری خویش از امکان دخالت موثر در تعیین دستمزدها برخوردار نیست. همین است وقتی به تفاوت بین سطح تورم و دستمزدهایی که از سوی شورای عالی کار (اسلامی) تعیین میشود مینگریم، عدم تاثیر گذاری کارگران در مورد دستمزدها را بوضوح میتوان مشاهده کرد.

یا به عبارت دیگر، طبقه کارگر ایران در زمینه قراردادهای موقت کار، در مورد زندانی شدن فعالین کارگر و خیلی موارد مهم دیگر، با چه مکانیسمی میخواهد این معضلات را به چالش بکشند و این موانع را رفع کنند. به این معنا که در رابطه بین کار و سرمایه، جبهه کار از موازین و قوانینی برخوردار باشند که سرمایه دار و کارفرما نتواند حتی با بکارگیری دستگاه سرکوبگر دولتی هم نتواند بی حقوقی هایی که اکنون به توده های کارگر تحمیل می کنند، تحمیل کنند.

ما در مقابل این اوضاع چاره ای نداریم بجز اینکه تلاش نماییم برای متحقق کردن اهدافی که فعالین کارگری تعقیب میکنند، استراتژی متحقق آن اهداف و مکانیسمهایی که به اتحاد و سازمانیابی طبقه کارگر کمک میکنند را در دستور کار و مباحثه قرار گیرند و کلیه فعالین کارگری بطور جدی این موضوعات را در دستور بگذارند.

در باره این موضوع، در برجسته کردن نکات زیر تاکید میکنیم:

(۱) ابزار طبقه کارگر ایران برای دخالت در اوضاع و بهبود شرایط کار و در تقابل با دولت اسلامی و سرمایه داران، تنها شکل سراسری و طبقاتی خود کارگران است. کارگران تنها از طریق تشکل است که میتوانند به قدرت تبدیل شوند و به خواستههای خود برسند و دولت اسلامی سرکوبگر و سرمایه داران را به جای خود بنشانند.

(۲) برای تامین اتحاد وسیع و میلیونی کارگران، بایست از نظر فکری در سطح ماکرو، کسب ارزشهای مادی و عینیات اندیشید. اتحاد حول افکار با مشکل و بن بست روبرو میشود. جامعه ی کارگری ایران، جامعه ای زنده و با گرایشهای متنوع است. اتحادی که دربرگیرنده همه کارگران با افکار و گرایشات مختلف باشد، میتواند حول کار و کلیه خواسته هایی صورت پذیرد که فی الحال موضوع مبارزه و اعتراضات کارگری هستند. «نان، مسکن و آزادی» ی که برای کارگران کمونیست ضروریست، به همان اندازه شامل کارگران با گرایشات دیگر از جمله سندیکالیستی هم میشود. جامعه سوسیالیستی آینده از نظر اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، یک جامعه ی رنگین و با انسانهای با تفکرات مختلف است.

چه چیزی میتواند متحد کننده انسانها با اندیشه های متفاوت باشد؟ پاسخ اینست که حلقه اصلی برای متحد کردن و همبستگی انسانها، کار است. این کار است که زمینه عینی و واقعی برای اتحاد افراد یک جامعه را بوجود میآورد.

(۳) در دوره کنونی که فعالیت هدفمند و سیستماتیک برای دامن زدن به نهضت تشکل سازی در محیط کار و رشد و تکامل دادن تشکل در یک رشته تا سطح سراسری و سپس با اتکا به این جنبش از پایین، تلاش برای ایجاد تشکل سراسری کارگران، ضعیف است، ضروری است تا فعالین و آگاهان سیاسی طبقه کارگر ایران، بویژه سوسیالیستها به این مهم بیندیشند که طبقه کارگر ایران تحت یک حکومت استبدادی و سرکوبگر چگونه میتواند به نیازهای مبارزاتی پاسخ دهد؟ تجارب در زمینه فعالیت فعالین جنبش کارگری در کشورهای که از دوران استبداد برخوردار بوده اند، مثل شیلی، چیست؟

در شرایطی که ایران در وضعیت التهابی و نامشخص بسر میبرد، همزمان حکومت سرکوبگر و جنایتکار و قلدری هم حکومت میکند، انتظار برای تغییر شرایط در پروسه ی زمانی نامعلوم و تغییر خودبخودی اوضاع درست نیست. درست اینجاست که بایست هدف، برنامه و نقشه برای تغییر داشت. مهمترین نکته در این راستا اینست که توده های هر چه وسیعتری - در مقیاس میلیونی- علنا، حتی اکنون که کارگران ایران فاقد تشکل سراسری خود هستند- با ایجاد شبکه های کارگری و اجتماعی، یکصدا خواستار متحقق کردن آن خواستی باشند که کارگران و فعالین کارگری در مورد آن به توافق میرسند. به

شکلی که مثلاً خواست ۳ میلیون تومان برای دستمزد ماهانه، به خواست همه کارگران و تشکلهای فعالین و گروههای مختلف حال با هر گرایشی تبدیل شود.

کارگران!

فعالین کارگری!

فرارسیدن اول مه، روز اتحاد بین المللی کارگران را به همه شما تبریک میگوییم.

ولی مکانیسم اتحاد بین المللی کارگران، در مرحله اول اتحاد و سازمانیابی کارگران در سطح کشوری است. «کارگران جهان متحد شوید» از طریق تشکل های کارگری در سطح کشورها امکان پذیر است و نه بصورت انفرادی. به این معنا که این تشکلهای کارگری در کشورهای مختلف هستند که در ارتباط با یکدیگر فضا و زمینه های مادی اتحاد وسیعتر و فرا کشوری را فراهم می آورند. قدرت کارگران در اتحاد و تشکل آنهاست.

تلاش برای اتحاد طبقه کارگر ایران از طریق ایجاد تشکلهای کارگری و سراسری، تلاش برای ایجاد شبکه های کارگری و ارتباط این شبکه ها با هم در کشورهای ایران، ترکیه، عراق، افغانستان و پاکستان، از جمله ضرورت های انکارناپذیر فعالیت سوسیالیستی و کارگری است که لازم است فعالین کارگری در این سطح مسئله را مورد توجه دخالتهای خود قرار دهند.

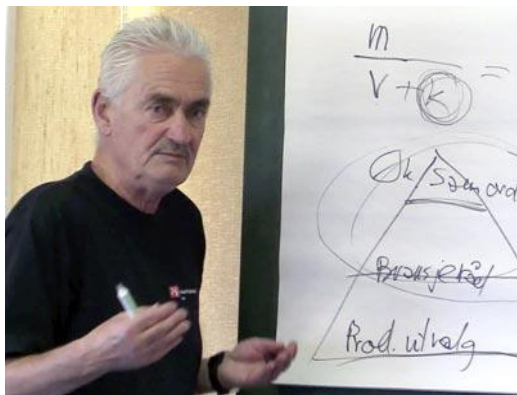
ما در رابطه با ایران، به بوجود آوردن و دامن زدن مناسبات رفیقانه و کارگری بین فعالین کارگری ایران، تشویق همه فعالین کارگری برای به توافق رسیدنشان در زمینه ی خواستها و مطالبات کارگری و تلاش برای بسیج توده ای کارگران در آن موارد تاکید میکنیم. این نکات، زمینه ساز حرکت های بزرگتر و قدرتمند تر بودن جنبش کارگری هستند.

برای تحقق اتحاد بین المللی کارگران، «کارگران ایران متحد شوید»

زنده باد جنبش کارگری متحد و آگاه

هارالد برنتسن
Harald Brentsen
۲۵ آپریل ۲۰۱۵

تلاشه برای پاسخ به سوالات بزرگ



هارالد برنتسن (Harald Brentsen)، مورخ نامدار
سوسیالیست و متخصص تاریخ جنبش کارگری نروژ

هیچکس نبایست از بالا از قبل بدون اینکه پایه ای در درون طبقه داشته باشد شکل طبقاتی کارگران را اعلام کند. اما همیشه تعدادی هستند که بیشتر فعالند و بیش از سطح متوسط از آگاهی برخوردارند، که در موقعیت رهبری قرار میگیرند و پیشقدم میشوند. پس آنچه آنان خواهان آن هستند اینست که بیشترین حمایت ممکن را کسب نمایند.

اولین چیزی که یک چنین گروهی باید انجام دهد، بر اساس آنچه کارل مارکس در نقد اقتصاد سیاسی در اثر اصلی خود سرمایه طرح کرده است میباشد و آن اینست که یک تحلیل طبقاتی که نشان دهد که طبقه کارگر

(صنعتی) مدرن کجا قرار دارد، همزمان کدام گروه و طبقات دیگر از دموکراسی سیاسی بورژوایی تا انقلاب سوسیالیستی میتوانند برای کسب اهداف مختلف متحد شوند.

این را میتوان در گروههای مطالعاتی غیرقانونی از معتمدین و علاقه مندان حتی الامکان در بخش وسیعی از کشور انجام داد. یکی از کارهای مفیدی که میتوان انجام داد اینست که آغازگر و رشد دهنده مهمترین پایه شکل توده ای و طبقاتی کارگران شد، یعنی اتحادیه های کارگری. آنگاه که اولین جوانه های جنبش مدرن کارگری در دوران انقلاب صنعتی ۱۸۰۰ رو به رشد نهاد، قانون ممنوعیت علیه کارگرانی که به هم پیوسته بودند و خواسته های مشترکی ارائه میدادند، به مرحله اجراء درآمد. آنچه کارگران آنوقت انجام دادند این بود که بطور مخفیانه در کافه ها (قهوه خانه ها)، مهمانخانه ها و شبیه آن جمع میشدند و آنجا همه بر سر یک یا چند موضوع به توافق میرسیدند و آنرا درخواست میکردند، مثلاً دستمزد و شرایط کار (مثلاً ساعات کار روزانه یا هفتگی). اول کارگران در جمع خود به توافق میرسیدند سپس هر کدام آنرا با کارفرمای که برایش کار میکردند طرح مینمودند. به این شکل اتحادیه های کارگری مبارزات خود را برای انعقاد قراردادهای دسته جمعی بجای قراردادهای انفرادی در میان کارگران ساختمانی نروژ در اواخر سده ۱۸۸۰ شروع کردند. آنها در تجمعات و ملاقاتهایشان به این توافق رسیدند که همه با هم برای اجرای آن قرارداد دسته جمعی کار کنند.

بتدریج کارگران بسوی ایجاد اتحادیه های کارگری آزاد رفتند. آنها بتدریج بسوی اتحادیه سراسری در رشته های مورد احترام کارگران (یعنی اول اتحاد سراسری در رشته های مشخص) رفتند و خواستار قرارداد دسته جمعی سراسری شدند. در آخر این اتحادیه ها متحد شدند و دسته جمعی یک تشکل سراسری که از امکان بسیج کارگران برخوردار بود بوجود آوردند: تشکل سراسری کارگران صنفی (Arbeidernes faglige landsorganisasjon, AFL) تاسیس کردند، که در سال ۱۹۵۷ به کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری (LO, Landsorganisasjonen) تبدیل شد. اینجا این اتحادیه از تشکل های پایه ای زیاد تشکیل شده بود، و تا کنون هم ادامه دارد.

تا موقعی که یک قدرت دولتی دیکتاتور ضد کارگر حکومت میکند، باید اتحادیه های کارگری بمثابه تشکل های غیر قانونی عمل کنند و تلاش نمایند تا در مورد دستمزدها و شرایط کار به همان شیوه عمل کنند که اتحادیه های کارگری در انگلستان و کشورهای دیگر مثل فرانسه که اتحادیه های کارگری از سال ۱۷۹۱ تا ۱۸۶۷ ممنوع بودند. همزمان باید فعالین اتحادیه ای از همه امکانات قانونی که پیرامون شرکت یا کارخانه وجود دارند استفاده نمایند، تا بتوانند منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران را برآورد کنند.

یک مثال برای چنین ستراتیژی ای را دوائر قانونی رهبری LO نروژ در هنگام اشغال نازیها در سال ۱۹۴۱ بدست داده است. آنها روی این موضوع کار کرده و سپس آنرا برای همه نمایندگان قابل اعتماد در محل ارسال کردند. مسئله این بود که چگونه آنها میبایست نسبت به برخورد قدرت اشغالگر نسبت به منحل کردن اتحادیه های کارگری برخورد میکردند.

مسئله این بود که کار و فعالیت میبایست بشیوه غیر قانونی ادامه پیدا میکرد، و همچنین همه ارگانهای یک شرکت که ممنوع نشده بودند و منتخبین مختلف شرکت و حتی ارگانهای تعاونی برای دفاع و پیشبرد منافع و حقوق ابتدایی کارگران مورد استفاده قرار میگرفتند. متفکر چنین ایده ای رهبر واقعی LO، رهبر حقوقدان تشکل ویگو هانستین (Viggo Hansteen) بود.

دو ماه بعد از اینکه ارگان رهبری LO با زور از سوی نازیستها در ۱۰ سپتامبر ۱۹۴۱ گرفته شد، فوری ویگو هانستین دستگیر شد، در دادگاه نظامی آلمانیهای نازی محاکمه شده و به اعدام محکوم شده و به اجراء درآمد.

اتحادیه های کارگری بنا به تعریف تشکل توده ای کارگران هستند، بنا به تعریف نمیتوانند از سوی تعداد اندکی از قبل اعلام شوند (هرچند که همیشه این اقلیتی هست که حرکت را آغاز میکنند). این جنبش اقتصادی و تریونیونی کارگران است.

کارگران برای رسیدن به خواستها و برآورد کردن حقوقشان به چیزی بیشتر از اتحادیه ها احتیاج دارند. آنها به حزب سیاسی خودشان احتیاج دارند. حزبی که مبارزه صنفی و بهبود شرایط اقتصادی در چهارچوب سرمایه داری را در اولویت خود ندارد، اما پیشبرد منافع کارگران را در گسترش و رشد دمکراسی، در مبارزه با سرمایه داری و جایگزینی آن با یک سیستم اجتماعی جدید؛ ابتداء جامعه سوسیالیستی و سپس کمونیستی، آنجا که مناسبات طبقاتی سرمایه داری و استثمار ناشی از

مالکیت خصوصی بر ابزار تولید متوقف و مالکیت اشتراکی و جمعی بر وسائل تولید جایگزین آن میشود. این هدف تنها از طریق حزب سیاسی که مبارزه برای کسب قدرت سیاسی دولتی و شکل دادن به ابزاری برای در هم شکستن مالکیت سرمایه دارانه و مناسبات تولیدی و سپس مهمترین نتیجه پروسه تولیدی سرمایه داری، بازتولید سرمایه در ابعاد بزرگتری در این سو و طبقه کارگر فاقد مالکیت (برابزار تولید) از سوی دیگر.

در تمام تاریخ جنبش کارگری مدرن، سازمانیابی سیاسی کارگران کم و بیش از خطوط سوسیال دموکراسی یا رفرمیسم از یک سو و خط انقلابی و کمونیستی از سوی دیگر تاثیر گرفته است. خط اول یعنی سوسیال دموکراسی (رفرمیسم) کم و بیش خود را به تشکل های توده ای و صنفی کارگران متکی نموده است، در عین اینکه آنها را دیگر به خود بعنوان یک نوع پیشاهنگ کارگران و نمایندگان برجسته آنان نگریسته اند که موضوع کارش رهبری کردن کارگران بوده است و نه اینکه مطیع سطح متوسط در طبقه شود.

خط کمونیستی بطور طبیعی و با تئوری حزب بلشویکی لنین در دوران دیکتاتوری تزار در روسیه شکل ویژه ای بخود گرفت، و احتمالا تجاری را ارائه میدهد که مطالعه کردن آن برای فعالین کارگری ایران در شرایطی که اکنون تحت آن زندگی میکنند مهمتر از تجارب پراکنده ای است که کارگران در کشوری بورژوا-دمکراتیک مثل نروژ تحت شرایط دیکتاتوری داشته اند.

جنبش کارگری ایران به مطالعه انتقادی تجاری که مائو بعنوان رهبر انقلاب چین انجام داده است نیاز دارد. به همان اندازه مهم اینست که باید تجارب قبلی که در خود ایران وجود دارند، دوران ستمگری استعمار، از دوران شاه و حالا از دوره انقلاب به بعد، مورد مطالعه قرار گیرند، در کنار اینها اهمیت بزرگی به رشد ارتباطات بین المللی و همبستگی با جنبش کارگری در کشورهای دیگر بویژه خاورمیانه داده شود. من مخصوصا به جنبش کارگری فلسطین فکر میکنم.

از تاریخ جنبش کارگری نروژ من به کتابی که نوشته ام بنام "بازگشت به آغاز؟" و خلاصه ای از آن که به زبان عربی ترجمه شده و از سوی کمیته فلسطین منتشر شده است، مراجعه میدهم.

هیچکدام از اینها نمیتوانند جایگزین مطالعات پایه ای آثار مارکس شوند، که با کار انتقادی خود از اقتصاد سیاسی در کتاب "سرمایه" کماکان برای جنبش کارگری که بخواهد به اندازه قواره خودش باشد و ببیند که در مقابل کدام چالشهایی قرار گرفته است، غیر قابل چشم پوشی است.

با دروهای رفیقانه

هارالد برنتسن



طرح چند سوال با پاول ستیگان

پاول ستیگان (Pål Steigan) متولد ۳۱ می ۱۹۴۹ در شهر اسلو؛ نویسنده و از رهبران سابق حزب کمونیست کارگران نروژ (مارکسیست-لنینیست)

سوال اصلی در مورد تشکل سراسری کارگران در یک کشور دیکتاتوری مثل ایران است.

بعد از انقلاب ۱۹۷۹ طبقه کارگر ایران موفق شد تا دستاوردهای زیادی از جمله تشکیل شوراهای کارگری در محلهای کار، ۴۰ ساعت کار هفتگی و دو روز تعطیلی در هفته، آزادی بیان و ... را بدست آورد.

اما بعد از اینکه نیروهای اسلامی به رهبری خمینی قدرت سیاسی را گرفتند، شروع به بازپس گیری دستاوردهای کردند که کارگران در جریان و بعد از انقلاب ۱۹۷۹ کسب کرده بودند. تشکلهای کارگری و احزاب سیاسی مورد تعرض وسیعی قرار گرفتند، دهها هزار فعال سیاسی اعدام شدند و ... به این صورت آنها قدرت سیاسی شان را مستحکم نمودند.

سوال: با توجه به این وضعیتی که در بالا مختصراً مورد اشاره قرار گرفت، سوال اینست که کارگران ایران چگونه میتوانند تشکل سراسری و طبقاتی خود را بسازند؟

پاول ستیگان: پاسخ این سوال برای یک خارجی بسیار مشکل است. استبداد در ایران تاثیرگذار بوده - و همچنانکه خودتان هم نوشته اید - تشکلهای کارگری متفرق و تضعیف شده اند. و از سوی دیگر کلید دقیقاً در سازماندهی طبقه کارگری قرار دارد.

یا به عبارت دیگر، چگونه کارگران در یک کشور استبدادی که ابتدائی ترین آزادیها تحمل نمیشود، میتوانند تشکلهای خود را ایجاد کنند؟

پاول ستیگان: یک پاسخ درست به این سوال وجود ندارد. من فکر میکنم که ضروری است تا از تجزیه و تحلیل شرایط امروز و جمع آوری تجارب شروع کرد. در مانیفست مارکس مینویسد که کمونیستها نمیخواهند "پرنسیپهای مجزایی که جنبش پرولتری را بدنبال آن بکشانند" شکل بدهند. این در عمل یعنی اینکه کمونیستها بایست نقطه حرکت شان از مبارزه طبقاتی باشد که کارگران بطور واقعی انجام میدهند و تجارب این مبارزات را جمع بندی کرده و اعلام نمایند. این کار وقت گیر و مشکلی هست، اما من فکر میکنم این تنها راه باز برای رشد و پیشرفت است.

سوال: آیا ما تجارب بین المللی در باره تشکیل تشکل سراسری کارگران در یک کشور استبدادی سراغ داریم؟

پاول ستیگان: همچون تجاری وجود دارند. در چین من با کمونیستهای بحث کرده ام که در کار کمونیستی و در مبارزه طبقاتی در شانگهای در دوران دیکتاتوری سفید شرکت کرده بودند. آنها شدیداً تأکید میکردند که کمونیستها باید با جنبش توده ای از نزدیک کار کنند و خیلی از مردم پیشی نگیرند. یک جنبش وسیع در یک "سطح پایین" ترجیح داده میشود به یک "جنبش ایزوله در یک سطح بالا". حتی آلمان در ۱۹۴۶ آنوقت که بخش بزرگی از کشور تحت کنترل کمونیستی قرار داشت، آنها مخالف مبارزه مسلحانه در شانگهای بودند زیرا آن بهانه ای برای سرکوب وحشتناک جنبش توده ای بدست میداد. به همین جهت آنها به حمایت و رشد عملیات و تقویت جنبشها در سطح پایین که مردم میتوانند شرکت کنند و بر آن اساس تجارب کسب کنند، اهمیت میدادند.

من همین موضوع را با رفقای از اندونزی هم که تحت شرایط بسیار سختی کار میکردند، بحث کرده ام و آنها هم به درجات زیادی مشابه همین را میگفتند. تجارب آرژانتین تحت دیکتاتور هم به همین خط و سوا اشاره دارند.

سوال: تئوری سازمان یا تشکل در این باره چه میگویند؟ برای اینکه کارگران دارای تشکل سراسری خود باشند، بایست به جنبش کارگران از پایین متکی بود یا آیا تعدادی فعالی کارگری میتوانند ایجاد تشکل را از بالا و بدون دخالت و شرکت توده های کارگر اعلام کنند؟

پاول ستیگان: بر اساس پاسخ سوال قبلی، میخواهم بگویم: بعنوان قاعده اصلی، از پایین. سازماندهی از بالا تنها یک استثناء و یک حامی (حمایت کننده) است. تحت رژیم دیکتاتور تشکل های هر می خیلی صدمه پذیر هستند زیرا خیلی ساده میتوان آنها را فلج کرد. یک سلول سازمانی در پیوند با یک نوع شبکه میتواند از انعطاف بیشتری برخوردار بوده و آسانتر به بقاء خود ادامه دهد.

من در رابطه با رشد مدلهای سازمانی لنین کار میکنم و آنجا من از "مدل بیولوژیکی" بعنوان یک متافور استفاده میکنم. اگر انسان از مغز بعنوان عکس یا تصویر تشکل استفاده کند، میتواند گفت که ارتباط و همکاری بین مراکز مختلف وجود دارند. تخصص، تعاون و همکاری و قابلیت مقاومت کردن یا مقاوم بودن جزو مواد معقول چنین طرز تفکری محسوب میشوند.

تشکل بایست به اعضای خود انگیزه ی فعالیتی، پیشقدمی و استقلال بدهد و بتواند از قابلیت عمومی و کلی تشکل الهام بگیرند.

اگر دیکتاتوری بخواهد یک یا چند مرکز را از بین ببرد، بر اساس همین قابلیتها و صلاحیتهای که در تشکل وجود دارد، آحیا کردن آن مراکز یا سلولها آسانتر خواهد بود.

سوال: تاریخ جنبش کارگری نروژ چه چیزی به ما میگوید؟ چگونه آل او (کنفدراسیون سراسری اتحادیه های کارگری نروژ) نروژ به ال او تبدیل شده است؟ خلاصه اینکه پروسه تاریخی یا متد و روش ایجاد ال او چه بوده است؟

پاول ستیگان: ال او ی نروژ همزمان با حزب کارگر و تحت شرایط قانونی تشکیل شد. این موضوعی است که به جا و وقت زیادی نیاز دارد چنانچه بخواهیم آنرا خیلی خوب بررسی نماییم. جنبش کارگری در معرض ستم و سرکوب قرار گرفته بود، اما به جزء

دوران اشغال آلمان، یک استبداد مطلق حاکم نبوده است. مادر من در مطبوعات غیر قانونی دوران جنگ فعال بود. این کاری خیلی سخت و همراه با مخاطرات فراوان بود.

سوال: چگونه طبقه کارگر ایران میتواند از تجارب کارگران نروژ و کشورهای دیگر برای ایجاد تشکل سراسری خود استفاده نماید؟

پاسخ: پاول ستیگان: من نمیدانم که آیا ما در نروژ چیزی داریم که به طبقه کارگر ایران ارائه دهیم. من سه بار از ایران دیدن کرده ام، و هر چند که استبداد در آنجا حاکم است اما مشکل نیست که انسان با مردمی مهربان و علاقه مند روبرو شود که جرات دارند تا نظرات خود را بیان کنند. مردم ایرا با همه ملیتهای که دارد مبارزه مهمی انجام میدهند که من با علاقه فراوان آنرا دنبال مینمایم.

با تشکرهای فراوان به شما پاول ستیگان که نظراتتان در مورد ایجاد تشکل سراسری کارگران را با ما در میان گذاشتید.

پروسه تکامل و شکوفایی از کوچک به بزرگ بوده و برعکس آن یعنی راه زوال و نابودی را آغاز کردن.

برای اینکه کارگران جهان از امکان اتحاد جهانی برخوردار باشند، بایست کارگران ابتداء در سطح کشوری و سپس منطقه ای متحد شده و در ارتباط و، بمبستگی قرار داشته باشند. اتحاد کارگران جهان، نه بصورت انفرادی، بلکه تنها از طریق تشکلهای کارگری در سطح کشوری و ارتباط طبقه کارگر مثل کشورها بهم متحد است.

کارگران از طریق تشکلهای کشوری خویش است که از امکان ایجاد اتسرناسیونال کارگری برخوردار خواهند شد.

کارگران ایران متحد شوید

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی بین المللی کارگران

یادداشتهای سیاسی

بهروز ناصری ۲۴ آپریل ۲۰۱۵

تاثیر مرگ خامنه‌ای در معادلات سیاسی ایران

شاید مرگ خامنه‌ای چندان دور نباشد. ولی سخن بر سر اینست که در کشوری که بصورت استبدادی و تحت رهبری یک فرد دیکتاتور مذهبی هدایت شده که در راس یک سیستم جناح بندی شده و فاسد قرار گرفته باشد، چنین جامعه‌ای با از دست دادن مهره اصلی اش، حداقل برای مدتی با زورآزمایی جناحهای مختلف حکومتی برای کسب قدرت دولتی و حتی کودتا سپاه پاسداران در تقابل با جناح دیگری از رژیم، میتواند روبرو شود.

یکی از آثار مثبت مرگ خامنه‌ای، بی ثباتتر شدن قدرت بلامنازع جناحهای حکومتی است. در دوره بی ثباتی اوضاع کشور و جنگ جناحهای مختلف برای کسب قدرت دولتی، میتواند و امکانپذیر است که فرجه یا گشایشی در اوضاع بوجود بیاید که دستگاه دولتی براحتی نتواند سرکوب کند. به عبارت دیگر، قدرت سرکوب دستگاه حکومتی، میتواند تضعیف شده و طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی میتوانند از بوجود آمدن چنان شرایطی به نفع خود استفاده نمایند. فعالان و آگاهان کارگری میتوانند از همین حالا در فکر چنان روزی بوده و اگر آنها در مقابل چنان وضعیتی قرار بگیرند، چه برنامه و نقشه‌ای در رابطه با اتحاد و سازمانیابی طبقه و تغییر اوضاع به نفع توده‌های کارگر و زحمتکش دارند؟

در چنان شرایطی برافراشتن چند خواست سیاسی و اقتصادی که روند زندگی و مبارزه را آسانتر نمایند و از امکان توده‌ای شدن سریع برخوردار باشد، تا با اتکاء به آن بتوان قدمهای بزرگتر و اساسی‌تری در جهت شد مبارزه طبقاتی در ایران برداشت، در دستور قرار بگیرند. از جمله خواست‌های مهم در چنان شرایطی میتوان به خواست آزادیهای سیاسی، آزادی فعالیت و حق تشکل اشاره کرد. خواست «نان، مسکن، آزادی» میتواند با چنان شرایطی هم انطباق داشته باشد.

شکست جمهوری اسلامی در مذاکرات هسته‌ای

همه روایتهایی که از مذاکرات لوزان تعریف میشوند دال بر شکست جمهوری اسلامی در آن مذاکرات هسته‌ایست. مشخص است که طرفین توافق کرده‌اند که روایت خود از مذاکرات را ارائه دهند. خوانندگان اخبار اکثر با اخبار ضد و نقیض از سوی طرفین و خبرگزاریهای مختلف روبرو میشوند. علت این همه تناقضات، توافقاتی است که آنها در همین زمینه انجام داده‌اند. جان کری وزیر خارجه آمریکا در همین زمینه یادآور شده بود که طرف ایرانی هر روایتی از مذاکرات ارائه دهد، اما در عمل برنامه‌ها طبق نظر آنها پیش خواهد رفت. روایت جان کری واقعی‌تر این همه ریاکاری و حقه بازیهای مذاکره‌کنندگان جمهوری اسلامی است.

طرفین توافق کرده‌اند تا از بیان جزئیات بپرهیزند. علت این توافق طبق مصالح جمهوری اسلامی است، تا آنها بتوانند در یک پروسه زمانی همزمان دو کار انجام دهند. اولین کار جمهوری اسلامی سنجش نظرات جناحهای درون حاکمیت و تلاش برای مهار مقاومتها و انتقادات جناحهای مختلف است. و دومین اقدام جمهوری اسلامی تشدید سرکوبها و افزایش اعدامهاست تا بدان وسیله چنان فضای خفقان و سرکوبی بوجود آورد تا کسی جرأت نکند که بگوید حضرت آقا به غیر از یک جام زهر چیزهای دیگری هم خورده‌اند... و این خصلت مستبدین و دیکتاتورهاست که در هر شرایطی مردم و دیگران را مقصر شکست خود قلمداد میکنند به کسی اجازه نمیدهند تا حتی اظهار نظر هم نمایند. والا پیداست که این همه رجزخوانی‌های سران مختلف جمهوری اسلامی و مخفی نگه داشتن مذاکرات هسته‌ای، نشانه‌های شکست و بند و بست‌هایی که است که دول دور میز جهت حفظ منافع سرمایه و بوجود آوردن تعادلی که منافع آنان را برآورد کند، انجام داده‌اند.

تکنولوژی هسته‌ای با هر مزایایی که داشته باشد، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، نمیتواند جزو خواست کارگران و زحمتکشان باشد و کارگران نمیتوانند از تکنولوژی هسته‌ای تحت حاکمیت جمهوری اسلامی دفاع کنند.

در جدال اصلی کار علیه سرمایه، حلقه اصلی برای اتحاد کارگران، کار است (طرحی برای اتحاد کارگران)

در پس همه جنگها و کشمکشهایی که در نقاط مختلف جهان در جریان است، به راحتی میتوان جدل کار و سرمایه، تقابل سرمایه های مختلف علیه یکدیگر و اتحاد نامدون همه آنها علیه طبقه کارگر و زحمتکش را مشاهده کرد.

در مقابل تعرض سرمایه داران و دولتهایشان علیه کارگران، کارگران در ایران پراکنده و غیر متشکل هستند. دولت اسلامی همراه با گروههای مختلف فشار با ایجاد فضای خفقان و تشدید سرکوبگری بیشتر و افزایش اعدامها، همین وضع موجود با همه تناقضاتش همراه با حاکمیت اش را ادامه دهد.

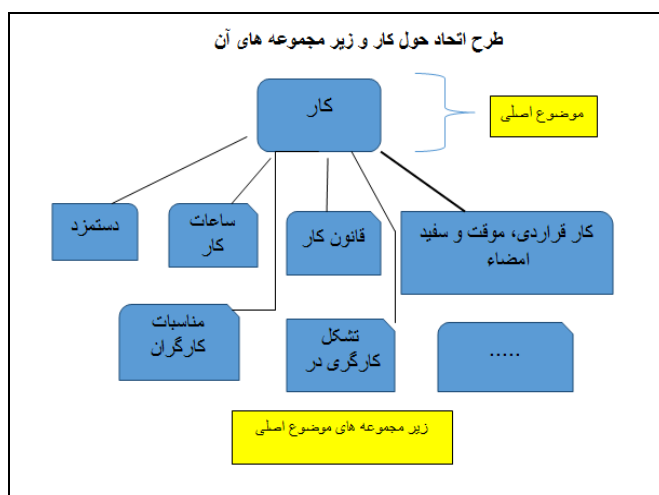
کارگران و فعالین کارگری برای تغییر وضع موجود بایست حلقه ی اصلی برای اتحاد را یافته و با دیدی باز متحد شوند. کارگران تنها میتوانند حول کار و مسائل مربوط به کار با هم متحد شوند. «کار» حلقه ی اصلی برای اتحاد کارگران است. اگر «کار» را بعنوان حلقه اصلی در نظر بگیریم، مجموعه ای از زیر مجموعه های دیگر نیز، همچون دستمزد، محیط کار، قانون کار و بدنبال آن خواهند آمد که مجموعاً مسائل مربوط به کار را تشکیل میدهند.

کار و فعالیت اصلی فعالین کارگری در رابطه با اتحاد طبقاتی کارگران و همچنین امکان دخالتگری سیاسی در اوضاع، میتواند حول همین مسئله یعنی اتحاد پیرامون کار و مسائل مربوطه انجام پذیرد.

فعالین کارگری برای به توافق رسیدن در هر زمینه ای مثلاً حداقل دستمزد، لغو قراردادهای سفید امضاء و دهها مورد دیگر، اولاً به کار کارشناسی احتیاج دارند، کاری که نتیجه اش بتواند مورد قبول عام کارگران و جامعه قرار گیرد.

به عبارت دیگر، از نظر سیاسی لازم است تا هر نظری امکان بیان بیابد و معنی وسیعترین آزادیهای سیاسی هم همین است که این تنوع در آراء و افکار تامین گردد. اما این عرصه کار و اقتصاد جامعه است که زیربنای رابطه انسانها را شکل میدهد.

با این طرز تفکر گرایشات مختلف کارگری براحتی میتوانند با یکدیگر همکاری داشته باشند و با تلاش جمعی از وضعیت غیر قابل دفاع امروزین عبور کنند....



کارگران با هر ایده و مرامی میتوانند روی زیرمجموعه های کار به بحث و گفتگو پرداخته و برای حصول آن به توافق برسند. اینجا مسئله ی اصلی تقابل کار با سرمایه است. اگر جبهه کارگران بصورت متشکل با سرمایه و سخنگویان آن که اتفاقاً علیه کارگران و بر اساس منافع سرمایه خیلی متحد هستند، آنها هم متحد نشوند در این جدل کارگران همچنان پراکنده و غیر متشکل باقی مانده و ... و در نتیجه جنبش کارگری در موقعیت واپسگرایانه ی خود باقی می ماند....

برای اتحاد در سطح کلان، باید کلان اندیشید. اگر یک توافق جمعی حول هر کدام از زیر مجموعه های کار اتفاق بیفتد، بگذار هر کارگری هر گونه که میخواهد بیندیشد.

هر کدام از این زیرمجموعه ها، خود موضوعی برای ایجاد یک یا چندین تشکل کارگری است.

قرارداد موقت و سفید امضاء سند بردگی نوین کارگران است

در سال های اخیر به دنبال سیاست اقتصادی حکومت اسلامی، کارفرمایان با حمایت مستقیم دولت ضمن اخراج گسترده کارگران، استخدام های خود را عمدتاً با عقد قراردادهای موقت انجام می دهند. آمارهای رسمی تأیید می کنند که ۹۰ درصد قراردادهای کارگران سراسر کشور موقت هستند و عملاً قراردادهای دائم جای خود را به قراردادهای موقت داده اند. طبق آخرین گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال گذشته، بیش از ۹۳ درصد کل نیروهای شاغل در بازار کار ایران دارای قرارداد موقت و غیردائم هستند. بیشتر قراردادها به صورت ۳ ماهه، ۶ ماهه و ۹ ماهه منعقد می شوند و بخش کمی هستند که به صورت یکساله به امضا می رسند.

پدیده ی "قرارداد موقت کار" دستاورد سرمایه داری در دهه های پایانی قرن بیستم در راستای تأمین منافع کارفرمایان است. این پدیده از سال ۱۳۶۸ به بعد وارد بازار کار ایران شد و به دنبال آن بدترین نوع آن یعنی قراردادهای سفید امضاء نیز وسیعاً معمول گردید. اگر چه در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی مجاری بسیار محدودی از لحاظ قانونی برای دفاع از حقوق کارگران وجود دارد، اما قراردادهای موقت همین مجاری باریک را هم بر روی کارگران می بندد.

مطلوبیت اینگونه قراردادها برای کارفرمایان در این است که آنها را از قید همین راه باریکه تعهدات قانونی هم نسبت به کارگران رها می سازد. در اکثریت قریب به اتفاق قراردادهای موقت کارگران از مزایایی همچون حق بیمه، حق اولاد، حق مسکن، بیمه بیکاری و غیره محروم می شوند. پس از پایان قرارداد کارگر در آن کارگاه هیچ سمت و حقی ندارد و این در حالی اتفاق می افتد که روند کار و تولید و نیاز به کارگر در مراکز کار همچنان ادامه دارد. قرارداد موقت کار فقط به تشخیص و صلاح دید کارفرما می تواند تمدید بشود و یا کارگر دیگری به جای او برگزیده شود. در این شیوه کار، کارگر هیچ گونه امنیت شغلی نمی تواند داشته باشد و در نتیجه برای آینده و زندگی اش هم نمی تواند برنامه ای تنظیم کند. از این فراتر با عقد قرارداد موقت کارگر همیشه باید گوش به فرمان و مطیع باشد، هرگونه اعتراض به شرایط کار یا حتی اشاره به قانون کار کذایی می تواند به بیکار شدن او در پایان قرار داد بینجامد. کارفرمایان با حرص و ولع سیری ناپذیری که در سود اندوزی و انباشت سرمایه دارند، به دنبال نیروی کار ارزان و تحمیل شرایط سخت تر به کارگران هستند و قراردادهای موقت این نیاز سرمایه داران را به بهترین نحو تأمین می کند.

ممنوعیت قراردادهای موقت و سفید امضاء خواست واقعی توده کارگران است و پیشروان و فعالین کارگری هم همواره بر آن تأکید داشته اند اما به دلیل عدم وجود تشکل های مستقل کارگری این خواست به مانع جدی در مقابل سوء استفاده صاحبان کار از نیروی کار نشده است و دولت نیز با حمایت های قانونی عملاً دست کارفرمایان سودجو را برای استثمار بیشتر کارگران از طرق مختلف از جمله عقد قراردادهای موقت باز گذاشته است. البته در مواردی از حق کشی های آشکار، کارگران به ناچار به شکایت رو می آورند. در حال حاضر بخش اعظمی از پرونده های شکایات در هیات های حل اختلاف

مربوط به قراردادهای موقت کار است. برابر آمارها از هر ۱۰ پرونده ای که در زمینه اختلافات کارگری و کارفرمایی تشکیل می شود، دستکم چهار مورد مربوط به قراردادهای موقت و سفید امضاء است.

به گزارش خبرگزاری حکومتی "ایسنا"، "فتح الله بیات" رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور گفته است: «به دلیل رکود و تعطیلی کارخانجات، تعدیل نیروی انسانی و اخراج کارگران، جذب نیروهای جدید عملاً صورت نمی گیرد و بیش از ۸۰ درصد قراردادهای کاری هم که به امضاء می رسد موقتی و خارج از ضوابط قانون کار است. بسیاری از نیروهای کار جوان کشور هم اکنون در قالب قراردادهای کوتاه مدت سه ماهه، شش ماهه و یا سفید امضاء مشغول به کارند.» نبود هیچ ضمانتی در قانون کار برای دفاع از حقوق کارگران، همچنین فراهم بودن زمینه های سوء استفاده کارفرمایان از وجود ارتش ذخیره بیکاران و پشتیبانی دولت از کارفرمایان باعث شده است که قراردادها در بازار کار کاملاً یکطرفه منعقد شوند و صرفاً تامین کننده منافع کارفرمایان باشند. در نحو تنظیم قراردادهای موقت کار هم هیچ ماده قانونی که به نفع کارگران عمل کند وجود ندارد و شرکت های پیمانکاری خارج از هرگونه نظارتی از این طریق به غارت نیروی کار کارگران می پردازند.

زیانهای این نوع قراردادها برای کارگران بسیار بیش از آن است که تاکنون مورد تحقیق قرار گرفته است. آمارها نشان داده است که بیشترین سوانح ناشی از کار در محیط ها و کارگاههایی صورت می گیرند که کارگران آنها مشمول قراردادهای موقت و سفید امضاء هستند و برای آموزش این کارگران از سوی کارفرما هیچ اقدامی صورت نگرفته است. اینگونه کارگران صدمه دیده و یا خانواده های قربانیان از گرفتن هرگونه خسارتی از کارفرما محروم می شوند. کار به این هم ختم نمی شود، بسیاری از کارفرمایان با توجه به نیاز شدید کارگران به پیدا کردن کار، گاهی آنان را ناچار می کنند تا سه ماه بدون حقوق و مزایا کار کنند. از آنجا که قرارداد سفید امضاء است کارفرما به میل خود طول زمان استخدام را کمتر از سه ماه می نویسد که اگر احتمالاً با بازرسی فرمالیته ای هم روبرو شد خود زیانی نبیند. از طرفی هم کارگر قادر به اعتراض جهت کسب حقوق خود نباشد. قراردادهای موقت و سفید امضاء در حقیقت بازی کردن با زندگی کارگران است. چنین شرایط کاری را جز بردگی نام دیگری نمی توان نهاد. مبارزه کارگران برای لغو کامل اینگونه قراردادهای اسارت آور یکی از میدانهای مبارزه کارگران با

(برگرفته از سایت کومله www.komalah.org)

کارفرمایان و دولت حامی آنان است.

Mobarezeye Tabaghati Nr.22 – 28 April 2015 Director: Behrooz Naseri Edit & layout: Shorsh Abbasi.B	مبارزه طبقاتی شماره ۲۲ – ۲۸ آپریل ۲۰۱۵ مسئول نشریه: بهروز ناصری تصحیح و صفحه آرایی: شورش عباسی
E.mail: m.tabaghati.avis@gmail.com bnaseri@hotmail.com	سایت مبارزه طبقاتی: www.m-tabaghati.com

کارگران، علیه منافع سرمایه
متحد شوید

شعار «نان، مسکن، آزادی»

را علیه فقر در ایران برافرازیم

زنده باد سوسیالیسم
در ایران